

امنیت غذایی در ایران و نظام حقوق بین الملل
عباس سوری^۱ - علی محمد فلاح زاده^۲ - احمد مرکز مالگیری^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

چکیده:

هدف از این مطالعه بررسی امنیت غذایی در ایران و نظام حقوق بین الملل است که با عنایت به اهمیت مسئله امنیت غذایی در تأمین سلامت عمومی و حق دسترسی به آن به عنوان یک حق انسانی، ضرورت انجام پژوهشی خاص را اجتناب ناپذیر می نماید. برای گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه ای و فیش برداری استفاده شده است. مسئله امنیت غذایی با نیم نگاهی به تحقیقات گذشته که واجد ارتباط موضوعی از برخی جهات هستند، این نوع نگاه را نوین و به روز از منظر حقوقی برجسته و جهت تنویه افکار و لزوم تدابیر و راهکارهای شایسته و سیاست گذاری های لازم مؤثر و برجسته می نمایند. لذا یک سیستم ملی کارا برای کنترل امنیت غذایی علاوه بر کمک به ارتقاء وضع تغذیه و سلامت جامعه به بهبود صنایع غذایی، افزایش تولید و افزایش سطح درآمدها می انجامد؛ بنابراین احتمالاً بهبود ساختار زیربنایی و قوانین موجود برای داشتن یک سیستم کنترل مواد غذایی کارا در سطح ملی حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت غذایی، نظام حقوقی ایران، نظام حقوق بین الملل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2103-1803

۱- دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

۲- استادیار حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

amfallahzadeh@atu.ac.ir

۳- استادیار گروه حقوق عمومی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه از دید جامعه جهانی مسائل گوناگونی به منزله "مسائل امنیتی" تعریف می‌شوند و امنیت در ماهیت، ابعاد چندگانه‌ای دارد و علاوه بر تهدیدهای نظامی، برای نمونه تهدیدهای نسبت به رفاه اقتصادی، ثبات سیاسی و عدالت اجتماعی، بهداشت شهروندان و محیط زیست نیز می‌توانند در زمره تهدیدهای جدی و به عنوان تهدیدهای درشرف تکوین مطرح شوند. (Leandro et al. 2020) در رویکردهای جدید امنیتی، امنیت افراد جایگاه بسیار بالایی دارد. امنیت یکی از حقوق اولیه انسانی ارزیابی می‌شود که باید به هر طریقی تأمین شود. انسانها ارزش ذاتی دارند. امنیت انسان از کانال دولت ملی عبور نمی‌کند، بلکه دولت ملی برای تأمین امنیت انسان‌ها به وجود آمده است. اصل اساسی، برقراری امنیت برای مردم است، در این مفهوم، امنیت در زندگی افراد جامعه بازتاب می‌یابد نه در حیات دولت، به هر میزان که امنیت برای افراد جامعه بیشتر تأمین شود، دولت موفق‌تر است. (Prescott et al., 2020)

منشأ فکری بحث امنیت غذایی، به‌عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های امنیت ملی، به بحران غذا در اوایل دهه ۱۹۷۰ در جهان برمی‌گردد. (رهبر و مبینی دهکردی، ۱۳۸۳: ۴) در دل امنیت غذا، می‌توان دو موضوع دیگر را نیز مدنظر قرار داد: ابتدا وضعیت اقتصادی مردم که نان را به‌عنوان قوت قالب مورد مصرف قرار می‌دهند و عدم استفاده از موادی همچون میوه و گوشت به اندازه کافی، که این امر موجبات عدم تعادل در سلامت غذایی را در پی خواهد داشت و متعاقب آن هزینه‌هایی که صرف ابتلا به بیماری‌های مختلف می‌گردد. در ثانی آلودگی غذایی نیز باید مورد توجه قرار گیرد؛ عدم نگهداری مناسب از مواد غذایی و یا استفاده از کودهای شیمیایی در کشاورزی و مواد غیربهداشتی برای تغذیه حیواناتی همچون گاو و گوسفند، سلامت غذاهای مورد استفاده را رو به وخامت می‌گذارد. آلودگی محصولات کشاورزی به فلزات سنگین از جمله سرب و کادمیوم که از راه فاضلاب کارخانه‌ها، بیمارستان‌ها و غیره وارد مزارع کشاورزی شده و جذب گیاه می‌شود، به روش‌های مختلفی وارد چرخه غذایی انسان می‌شود. مطالعات نشان داده که این فلزات سمی در ارگان‌های بدن به ویژه کبد و کلیه تجمع پیدا کرده و نهایتاً نارسایی کبدی و کلیوی را به دنبال دارد. آفاتوکسینها که گروهی از سموم قارچی هستند نیز خطر ابتلا به سرطان‌ها را افزایش می‌دهند. تغذیه با مواد غذایی آلوده به آفاتوکسین مانند گندم و آرد، پسته، بادام زمینی و شیر، نهایتاً بروز سرطان کبد را در انسان به دنبال دارد. وجود آفاتوکسین در شیر، به دلیل تغذیه دام با علوفه و نان کپک زده و همچنین در گندم به دلیل نگهداری و ذخیره نامناسب گندم و کپک زدن آن در ایران به کرات گزارش شده است. تاکنون تعاریف مختلفی از امنیت

غذایی ارائه شده است که می‌توان جدیدترین تعریف از امنیت غذایی را به شرح زیر ارائه کرد: همه مردم در تمام اوقات دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مقدار کافی از مواد مغذی، سالم و مناسب از مواد غذایی داشته باشند و تنها در یک روش سازگار با محیط زیست و اجتماع پایدار تولید شده مردم قادر به تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد انتخاب غذاها باشند». (Smith, 2013: 18)

همچنین در ماده ۲۵ اعلامیه سازمان ملل، بحث در مورد امنیت غذایی اعلام شده است که: هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبولی برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده-اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است و همچنین حق دارد که در زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، سالمندی و فقدان منابع تأمین معاش، تحت هر شرایطی که از حدود اختیارات وی خارج است، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد. (رهبر و مبینی دهکردی، ۱۳۸۳: ۴) به نظر می‌رسد حربه سیاسی واقع شدن این موضوع توسط قدرت‌های خارجی که بعضاً انحصار غذا را در دست داشته‌اند یکی از محورهای اصلی توسعه ملی و انسانی امنیت غذایی در این زمینه می‌باشد. احتمالاً موانع و چالش‌های موضوع مورد بررسی، امنیت انسانی را به عنوان یکی از مولفه‌های دکترین، متزلزل و آینده را در معرض بحران و تهدید و ناامنی جدی قرار می‌دهد.

بیان مسئله

امنیت مفهومی توسعه‌نیافته، مبهم، نارسا و جدال‌انگیز و البته متناقضی را متبادر می‌سازد. (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱۷) بطوریکه صاحب‌نظران رشته‌های مختلف با در نظر گرفتن مؤلفه‌های متنوع به تعریف مقوله امنیت پرداخته‌اند. امنیت درواقع مفهومی است که جنبه‌های مختلف اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و فردی را در برمی‌گیرد و عنصر تأثیرگذاری بر همه اعمال، رفتار و تصمیم‌گیری‌های انسانی به حساب می‌آید. (برژنسکی، ۱۳۶۹: ۱۲) تاریخچه بحث امنیت غذایی به بیش از ۵۰ سال پیش و اعلامیه‌ی حقوق بشر در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ بر می‌گردد. (رهبر و مبینی دهکردی، ۱۳۸۳: ۲) با عنایت به اهمیت بسیار بالا و جایگاه مهم مسئله امنیت غذایی و دارویی^۱ در تأمین سلامت عمومی و تأمین مایحتاج و انرژی مورد نیاز سلول‌های بدن و حق دسترسی به سلامت به‌عنوان یک حق انسانی و ضرورت لحاظ آن در اولویت‌گذاری و سطح سیاست‌گذاری‌هایی مجامع مختلف جهانی و ایران تحت یکی از محورهای اصلی توسعه ملی و انسانی و حربه سیاسی واقع شدن این موضوع توسط قدرت‌های

^۱ - Safety of food and medicine

خارجی که بعضاً انحصار غذا را در دست داشته و همچنین توان عبور از بحران و ناامنی‌های پیش‌رو بر اساس واقعیات جاری و تجارب گذشته نگارنده را بر آن داشت تا با انتخاب یک موضوع جدید و مستقل که شاید کمتر مورد بررسی قرار گرفته باشد و زمینه‌ی ادامه و استمرار پژوهش‌های بعدی توسط محققان و ایجاد تغییر و تقویت دیدگاه‌های فعلی، علیرغم دغدغه‌های متعدد موجود در باب امنیت غذایی و تطبیق با قوانین و مقررات مدون به‌منظور تعالی و توالی امنیت غذایی در کشور را به‌صورت پایدار، برجسته و قابل توجه فراهم آورد. اما از آنجایی که هرگونه تحقیق بر سر راه، مواجه با مشکلاتی است یقیناً تحقیق حاضر نیز از مشکلات و معضلاتی همچون فقدان منابع کافی و لازم مرتبط و مناسب با موضوع تحقیق به زبان فارسی، تخصصی بودن قسمتی از تحقیق و لزوم مراجعه به مبادی و منابع دیگر و در برخی موارد دسترسی‌های جزئی و محدود به منابع اینترنتی لاتین و همچنین عدم همکاری برخی نهادها و ارگان‌های درگیر با موضوع، مسیر رسیدن به اهداف موردنظر را دشوار می‌نماید. اما چالش‌ها و موانع موجود در مسیر ایجاد امنیت کامل و پایدار غذایی در ایران، ضرورت انجام پژوهشی خاص و مستقل و مطالعه‌ی جامع پیرامون ابعاد گوناگون آن را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. اینک به تاریخچه و تعریف مختصر و موجز مفاهیم به‌کاررفته در عنوان که جهت درک بهتر مطالب و آشنایی اجمالی خواننده ضرورت دارد را به شرح ذیل می‌پردازیم:

ریشه اصلی مفهوم امنیت غذایی را می‌توان در علم تغذیه انسانی^۱ جستجو کرد. مفهوم آن عمدتاً بر ارتباط میان غذای مصرفی و سلامت انسانی تمرکز دارد. امروزه کاربرد این علم در جهان سوم به منظور تحلیل مشکلات گرسنگی و بیماری و شناخت نحوه حل مشکل یاد شده اهمیت روز افزون یافته است. البته کاربردی کردن علم تغذیه پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد. امنیت غذایی برای نخستین بار در ادبیات روابط بین‌الملل در اواسط دهه ۱۹۷۰ و در پاسخ به بحران جهانی غذا مطرح شد که در درجه‌ی اول بر مشکلات تأمین مواد غذایی، در دسترس بودن غذا و قیمت آن در سطوح ملی و بین‌المللی متمرکز بود. در اجلاس جهانی غذا^۲ در سال ۱۹۷۴ میلادی، مفهوم امنیت انسانی با تأکید بر (عرضه و تأمین غذا) در سطح تحلیل جهانی مطرح شد که بر مبنای آن امنیت غذایی به معنای عرضه کافی مواد غذایی اساسی در جهان در تمامی زمان‌ها به‌نحوی که افزایش باثبات مصرف و جبران نوسان‌های تولید و قیمت را موجب می‌شود، تلقی شد. به‌عبارت‌دیگر در این تعریف عرضه منابع کافی غذایی در هر زمان

^۱ - Human nutrition science

^۲ - International Forum on Nutrition

در جهت مصرف پایدار مواد غذایی و جبران هرگونه نوسان در تولید و قیمت، امنیت غذایی نامیده می‌شود. (United Nations, 1975) در سال ۱۹۸۳، سازمان خواروبار و کشاورزی^۱ ملل متحد و اجلاس بین‌المللی تغذیه در سال ۱۹۹۲ میلادی، ضمن گسترش مفهوم امنیت غذایی، خواستار توجه به عرضه و تقاضا در بازار مواد غذایی جهان شدند. در سال ۱۹۸۶ گزارش بانک جهانی در مورد امنیت غذایی با عنوان (فقر و گرسنگی) منتشر شد که در آن بر پیوایی‌های زمانی، ناامنی غذایی در زمان وقوع بلایای طبیعی و بحران‌های اقتصادی و سیاسی تأکید شده بود. به همین دلیل بانک جهانی، امنیت غذایی را دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای یک زندگی فعال و سالم تعریف می‌کند. (World Bank, 1986) گزارش نهایی اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ ضمن موردتوجه قرار دادن شاخص‌های ذهنی و کیفی در این مورد اعلام کرد امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه‌ی مردم در هر زمان از لحاظ فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی کافی سالم و مغذی دسترسی داشته باشند تا نیازهای تغذیه‌ای آنها تأمین شود و برخورداری از یک زندگی سالم و فعال را برای آنان ممکن می‌سازد. (FAO, 1986) امنیت غذایی جزو حقوق بنیادین بشری بوده و تحت هیچ شرایطی حتی در مخاصمات نیز قابل تعلیق نیست، زیرا هرگونه تعدی به حق غذا می‌تواند منجر به مرگ ناشی از گرسنگی شود؛ بنابراین جهت حل این مشکل در زمان مخاصمه و صلح، رویکردهای مختلفی از قبیل حق بر غذا و امنیت غذایی و دارویی اتخاذ گردیده است. در حال حاضر، بر مبنای کرامت انسانی حق بر غذا در اسناد حقوق بین‌الملل بشر تعهدات متعددی را بر کشورهای عضو جهت تأمین غذا تحمیل می‌نماید که مکانیزم‌های مختلفی جهت رسیدگی به نقض آن و جبران خسارت برای افراد متأثر از آن پیش‌بینی شده است. این رویکرد در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه تا آن حد پیشرفته که استفاده از ابزار گرسنگی، نابود یا غیرقابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیرنظامی، ممانعت از دریافت کمک‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه به‌ویژه مخاصمات بین‌المللی را به منزله جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت قلمداد گردیده است. همچنین، حق دادخواهی در مورد نقض حق امنیت غذا از طریق نهادهای مختلف بین‌المللی از قبیل دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت و سایر نهادها به رسمیت شناخته شده است. بدون شک سلامت و ایمنی مواد غذایی در سلامت و تندرستی انسان به‌گونه‌ای مؤثر است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند. تغذیه‌ای که بر اساس اصول علمی و با در نظر گرفتن تمامی احتیاجات بدن ما تنظیم شده باشد و از سلامت لازم به لحاظ عاری بودن از هرگونه

^۱-Food Agriculture Organization

آلودگی میکروبی، شیمیایی و... برخوردار باشد، قطعاً سلامت انسان را تأمین خواهد کرد و رشد و نمو سلول‌های بدن را باعث خواهد شد و همچنین قوای دفاعی بدن را به‌صورت بسیار اساسی و فراوان افزایش می‌دهد. استاندارد سیستم مدیریت ایمنی غذا که با ارزیابی بروز خطا و تعیین نقاط بحرانی و ایجاد سیستم کنترل، در فرآیند مواد غذایی از تهیه مواد اولیه تا مصرف توسط مشتری، از افت سطح کیفیت محصول به نحو برنامه‌ریزی‌شده جلوگیری می‌نماید و تضمین می‌کند که مصرف محصول هیچ‌گونه خطری برای مصرف‌کننده ندارد و شرکت‌هایی از اجرای این استاندارد سود می‌برند که تولیدکننده مواد غذایی هستند که به‌صورت بی‌طرفانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و شایستگی‌های آنان و همچنین انطباق عملکرد پیشگیرانه در ایمنی مواد غذایی و اطمینان از برآورده شدن نیازمندی‌ها و قوانین موجود در حین اجرای امور، مورد توجه قرار می‌گیرد. فوایدی که به دنبال استفاده از این سیستم به دست می‌آید؛ عبارت‌اند از:

- حذف کلیه خطرات میکروبی، شیمیایی و فیزیکی از محصول

- اطمینان خاطر سلامت محصول برای مشتری جهت مصرف (حسین پور، ۱۳۹۵: ۱۲۴)

با توجه به رشد جمعیت و کمبود منابع غذایی و بحران‌های حاصل از استفاده مواد شیمیایی در تولید محصولات غذایی و همچنین تغییر سبک زندگی، برای به دست آوردن امنیت، ایمنی غذایی و حفظ آن، در تحقیق حاضر که در عنوان اسناد بین‌المللی آمده است به اسناد مربوطه در دو دسته اعم از اسناد با محتوای حقوقی نرم و اسناد با محتوای حقوقی سخت که در ارتباط با موضوع هستند اشاره و بیان می‌گردد. همچنین در قسمت اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌توان به اهم موارد زیر که در عنوان و متن تحقیق به کار رفته‌اند اشاره کرد: ۱- بند الف ماده ۵۵ منشور ملل متحد و اساسنامه سازمان بهداشت جهانی ۲- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند یک ماده ۱۲، ۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۲۵، ۴- اصل سوم و اصل ۲۹ قانون اساسی، ۵- موافقت‌نامه تریپس و دیگر موارد اسناد حقوق بشری. (رزم‌خواه، ۱۳۹۳: ۱۴۰) امروزه عملیات نوین کشاورزی همراه با علوم جدید و سرمایه‌گذاری‌های وسیع منجر به تولید غذاهای اصلی به روش بهینه‌شده و استفاده از افزودنی‌های غذایی می‌تواند کیفیت، کمیت و ایمنی مواد غذایی را بهبود ببخشد. بااین‌وجود، هنوز هم کنترل‌های کافی برای اطمینان از مصرف مناسب و ایمن در طول زنجیره غذایی و بازرگانی در سابقه بازار و توافق با نظارت‌های مداوم برای اطمینان از ایمنی در مصرف آفت‌کش‌ها، داروهای دامپزشکی و مواد افزودنی در صنعت غذا ضروری به نظر می‌رسد. چالش‌های دیگری که به‌منظور ایجاد اطمینان از ایمنی مواد غذایی بوده، مانند جهانی‌سازی تجارت مواد غذایی، گسترش

شهرنشینی، تغییرات در شیوه زندگی، مسافرت‌های بین‌المللی، آلودگی محیط‌زیستی، آلودگی‌های عمدی و طبیعی و بلاهایی که به دست بشر به وجود می‌آیند، منجر به پیچیده‌تر شدن زنجیره تولید غذا شده و راه‌های آلودگی و رشد باکتری‌های بیماری‌زا را گسترش داده‌اند. راه‌های مختلف انتقال بیماری‌های ناشی از غذا که قبلاً تنها به یک منطقه خاص مربوط می‌شد، امروزه ابعاد جهانی به خود گرفته است. این سازمان در تلاش است تا با توسعه دستورالعمل‌های موردپذیرش در تمام جهان، بتواند به اطلاعات موردنظر در این زمینه دست یابد. علاوه بر آن، این سازمان اغلب، اطلاعات مربوط به میزان شیوع و نحوه نظارت را نیز جمع‌آوری می‌کند. سازمان مذکور علاوه بر گسترش شبکه‌ای جهانی متشکل از انستیتوهای مشترک، برای نظارت بر آلودگی شیمیایی مواد و منابع غذایی، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، گسترش می‌دهد. استفاده از تمام فناوری‌های غذایی را که مرتبط با سلامت جامعه بوده را مانند پاستوریزه کردن، فرایند تابش در مواد غذایی و تخمیر مد نظر قرار داده است. همچنین عملیات ابتکاری مهمی را برای بنیان نهادن هرچه بیشتر پایه‌های علمی فعالیت‌های ایمنی مواد غذایی با همکاری متخصصان سازمان بهداشت جهانی و سازمان خواروبار جهانی سازمان ملل برای تعیین مخاطرات میکروبی در مواد غذایی و استفاده بیشتر از کمیسیون کدکس سازمان خواروبار جهانی و سازمان بهداشت جهانی، استانداردها، دستورالعمل‌ها و توصیه‌ها جهت استناد همگانی مراجع بین‌المللی و نیز بنیان نهادن نگاهی علمی بر ارزیابی گسترده مخاطرات، مزایا و دیگر موارد مربوط به تولید و مصرف مواد غذایی حاصل از بیوتکنولوژی به عنوان یک بخش اصلی در کشور-های توسعه یافته و در حال توسعه را پیش‌بینی و افزایش داده است. (World Bank, 1986)

با توجه به اینکه دسترسی به غذا از دو بعد اقتصادی و فیزیکی مطرح است، لذا اشتغال-زایی، افزایش درآمد خانوار، در دسترس قرار دادن مواد غذایی مورد نیاز از طریق کشت و زرع و یا فرآورده‌های دیگر، ایجاد دسترسی فرهنگی به غذا به معنای در دسترس قرار دادن غذاهایی با ارزش سنتی و متناسب با فرهنگ مردم از راهکارهای مؤثر ایجاد دسترسی به غذا بوده و طبیعتاً فرابخشی خواهد بود. همچنین می‌توان بیان نمود که به دلیل بیماری‌های زمینه‌ای مانند بیماری‌های عفونی، انگلی یا بیماری‌های غدد و متابولیک در بروز سوءتغذیه، به نظر می‌رسد یکی از استراتژی‌های مهم، ایجاد امنیت غذا و تغذیه پیشگیری و مراقبت این‌گونه بیماری‌ها باشد. از طرفی توجه به بیماری‌هایی که معلول و یا در ارتباط با نوع تغذیه می‌باشند، نظیر بعضی سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی و عروقی و غیره نیز در زمره این‌گونه بیماری‌ها که بایستی تحت مراقبت و توصیه‌های تغذیه‌ای باشند قرار می‌گیرد. شرط اصلی سلامت زیستن، داشتن

تغذیه صحیح است. تغذیه صحیح یعنی رعایت دو اصل تعادل و تنوع در برنامه‌ریزی غذایی روزانه. تعادل به معنی مصرف مقادیر کافی از مواد غذایی و تنوع به معنی انواع مختلف مواد غذایی در ۵ گروه اصلی مواد در هرم غذایی است. هرم غذایی از ۵ گروه اصلی مواد غذایی تشکیل شده است. هر چه از بالای هرم به سمت پایین نزدیک می‌شویم حجمی که گروه‌های غذایی به خود اختصاص می‌دهند بیشتر شده و باید مقدار مصرف روزانه آنها بیشتر شود. در هر گروه مواد غذایی دارای ارزش غذایی تقریباً یکسان هستند و می‌توان از یکی بجای دیگری استفاده کرد. با وجود ارتقای سطح بهداشت عمومی و کاهش میزان مرگ‌ومیر و ابتلا به بیماری در دهه اخیر، بیماری‌های ناشی از غذا در کشور، به علت عدم وجود یک سیستم کارا و جامع کنترل مواد غذایی، هنوز یکی از مشکلات عمده است. در حال حاضر مشکلات و نقاط ضعف سیستم کنترل مواد غذایی در کشور ما عبارت‌اند از:

- نبود ساختار مناسب ایمنی غذا.
- قوانین ناکافی.
- تسهیلات آزمایشگاهی و حمل‌ونقل نامناسب.
- کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده.
- آگاهی پایین مصرف‌کنندگان.
- نبود سازمان و یا نهاد مسئول ثبت و پیگیری بیماری‌های ناشی از غذا.
- مطالعاتی که در طی سال‌های مختلف در زمینه آلودگی‌های میکروبی و شیمیایی مواد غذایی در کشور انجام شده بیانگر این موضوع است. احتمال آلودگی مواد غذایی به فلزات سنگین، آلودگی‌های ناشی از روش نگهداری محصولات کشاورزی و مواد غذایی، وجود بقایای سموم آلی کلردار که دسته بزرگی از حشره‌کش‌های دفع آفات را تشکیل می‌دهند و از دیرباز علیه بیماری مالاریا و نیز آفات و حشرات مورد استفاده قرار می‌گیرند، آلودگی مواد غذایی از طریق انتقال شیمیایی ناشی از مواد اولیه بسته‌بندی نیز در سال‌های اخیر نگرانی‌هایی را به وجود آورده است. همچنین ترکیب و کیفیت روغن‌های نباتی که در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته، نیازمند سیاست‌گذاری و توجه فنی بیشتری است. در حال حاضر در بخش مواد غذایی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلفی دخالت دارند. به‌طور مثال نظارت بر فراورده‌های خام دامی با سازمان دامپزشکی، نظارت بر محصولات خام کشاورزی با وزارت جهاد کشاورزی و نظارت بر مواد غذایی و کارخانه‌های تولیدی مواد غذایی و عرضه آن با وزارت بهداشت است. علاوه بر این مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران علاوه بر تدوین استانداردها، در بخش استاندارد-

های اجباری کنترل و نظارت بر کارخانه‌های تولیدی و واردات و گاهی نظارت بر عرضه مواد غذایی را انجام می‌دهد. لذا باوجود آنکه به نظر می‌رسد درگیرشدن چندین سازمان در امر نظارت اثربخشی بهتری داشته باشد، لیکن در عمل این‌گونه نیست و به دلیل فقدان سیاست‌گذاری متمرکز و نبود یک سازمان سیاست‌گذار که در تمامی زمینه‌ها سیاست‌های کلان و راهبردی را در زمینه ایمنی غذا مشخص و به سازمان‌های درگیر ابلاغ کند، در بسیاری موارد موازی‌کاری و دوباره‌کاری دیده می‌شود. در سیر تاریخی تفکر امنیت غذایی سه نقطه عطف وجود دارد:

- ۱- معطوف شدن امنیت غذایی جهانی و ملی به سطوح خانوار و فرد.
 - ۲- تغییر اولویت در امنیت غذا به مسئله امرارمعاش.
 - ۳- تغییر ابزار قضاوت در مورد امنیت غذایی از شاخص‌های کلی و کمی به شواهد غیر مستند، مبتنی بر احساسات و ادراک افراد از وضعیت امنیت غذایی خود.
- چنانکه مشاهده می‌شود هرچقدر به تفکرات دوره‌های اخیر نزدیک می‌شویم، طرف تقاضا و مصرف مواد غذایی از ثقل و محوریت بیشتری برخوردار می‌شود. به همین ترتیب تغییراتی نیز در نگرش‌های اقتصاد و توسعه و روش‌های سیاست‌گذاری به وجود آمد که توسعه را از طریق ایجاد بستر و فرصت‌سازی و نه مداخله مستقیم و دستوری امکان‌پذیر می‌داند. بنابراین تقویت مزیت‌های سیستم‌های اجتماعی جهت شکوفایی قابلیت‌ها موردتوجه قرار می‌گیرد. این امر به‌طور بدیهی نیازمند اولاً تمرکززدایی در سیاست‌گذاری و اجرا و ثانیاً وجود ساختار لازم جهت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌هاست. عدم تمرکز نیازمند تمرکززدایی در تخصیص منابع و مشارکت نیازمند وجود نهادهای افزایش مشارکت شامل نهادهای تسهیل‌کننده و نهادهای مردمی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۸۰-۱۳۶۸ شاخص نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی از ۳۸/۵ درصد به ۷۰/۴ درصد رسیده است. همچنین نسبت بودجه جاری دولت به بودجه عمومی طی سال‌های ۸۲-۱۳۷۲ از ۵۵/۰ به ۶۵/۰ رسیده است. به عبارت دیگر طی این سال‌ها عملاً تمرکز افزایش یافته است. همچنین در بخش مشارکت علیرغم اینکه نهادهای مشارکتی کشور توسعه یافته است، اما نهادهای تسهیل‌کننده و نهادهای مشارکتی غیردولتی در سطوح مطلوب به گونه‌ای که بتوان از آنها در امور توسعه اقتصادی- اجتماعی انتظار همکاری داشت توسعه نیافته است. چالش‌های این ساختار، برآورده نشدن انتظار در وجود چارچوب‌ها، گردش کارها و فرآیندهای موردنیاز جهت ارتقاء سطح امنیت غذایی مبتنی بر نگرش‌های اخیر در امنیت غذا و تغذیه‌ای است. در بخش

ایمنی غذایی وجود سازمان‌های دارای وظایف موازی و متداخل در حوزه‌های تحقیق، تدوین، اجرا و نظارت بر استانداردها (متدولوژی، استاندارد، تست و کیفیت) و نبود تمرکز در سیاست-گذاری در این زمینه باعث گردیده تا فعالیت‌های صورت گرفته در این حوزه از توفیق لازم برخوردار نباشد.

امنیت غذایی در ایران

با استناد به اسناد بالادستی، به‌ویژه اهداف برنامه‌ی پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی کشور، سند ملی تغذیه و امنیت غذایی کشور در سال ۱۹۳۱ تدوین و در تاریخ ۹۱/۲۱/۲۸ توسط وزیر وقت بهداشت به روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور ابلاغ گردید. این قانون بر مبنای اسلام که هدف خود را مانند سایر ادیان الهی، استقرار نظام عدل و رفع تبعیض و ظلم نسبت به همه بشریت اعلام می‌کند، می‌خواهد تضمین کننده رفع هرگونه استبداد فکری، اجتماعی و انحصار اقتصادی باشد و براساس این جهت‌گیری مدعی است که زمینه مشارکت مردم را در تمام مراحل تصمیم‌گیری سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌کند. اینها از جمله اصولی است که در هر دو نظام حقوقی به آنها اشاره کرده‌اند، اما در برخی از موارد با هم مشترک و در مواردی هم متفاوت می‌باشند؛ زیرا از یک طرف در قانون اساسی باید علاوه بر التزام زمامداران به رعایت اصل حاکمیت قانون، بر برتری حقوق بشر تکیه و تأکید گردد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۶) و از طرف دیگر باید تمامی قوانین ایران با موازین اسلام منطبق باشد. تدوین این سند براساس تعاریف امنیت غذا و تغذیه، تجربیات جهانی، مرور و تحلیل اسناد و برنامه‌های پیشین حوزه غذا و تغذیه و نظرات خبرگان و ذی‌نفعان میان‌بخشی انجام شد تا با به‌کارگیری آن، زبان مشترک و تعهد جمعی ذی‌نفعان (درون و برون‌بخشی) در زمینه‌ی اهداف و راهبردهای ارتقای تغذیه و امنیت غذایی به‌وجود آید و بستری مناسب برای عملیاتی‌سازی اسناد بالادستی فراهم گردد. در نهایت، انتظار می‌رفت با استقرار مداخلات پیش‌نهادهی این سند، شاخص‌های مهم تغذیه و امنیت غذایی به‌تدریج بهبود یابند؛ ازجمله اینکه کلیه‌ی استان‌های کشور از نظر امنیت غذایی در طیف امن تا خیلی امن قرار گیرند.

در حکومت‌های مذهبی قانونگذار اصلی و واقعی خداوند است و همه مردم وظیفه دارند از قوانین الهی اطاعت کنند. در چنین نظام‌هایی، اطاعت از قوانین الهی و مقررات مذهبی ارزش بسیار بالایی محسوب می‌شود، به طوری‌که ارزش‌های دیگر از جمله آزادی، عدالت و برابری در صورتی اعتبار دارند که یا محدود به این قوانین بوده یا از آن نشأت گرفته باشند. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۰) اصل دوم قانون اساسی جلوه بارزی از این نوع تفکر است. در این اصل جمهوری

اسلامی ایران بر پایه ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت و قانونگذاری به او استوار گشته است. اصل پنجاه و ششم نیز با تأکید بر تعلق حاکمیت مطلق به خدا بر این ایده اصرار ورزیده است و در اصل چهارم برای اجرای این عقیده مقرر شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...» با توجه به این اصول نباید قوانین ایران با منشأ عمده خود که حقوق اسلام است در تعارض باشد. آنچه در اینجا باید روشن شود اینکه حقوق اسلام مبتنی بر چهار منبع است. عقل آدمی در کنار قرآن، سنت و اجماع یکی از این منابع چهارگانه است که بین حقوق بشر غربی و حقوق اسلامی مشترک بوده و هر دو بر آن تأکید دارند، مثلاً روسو می‌گوید: برای کشف بهترین قوانین که به درد ملل بخورد، یک عقل کل لازم است که تمام شهوات انسانی را ببیند ولی خود هیچ گاه حس نکند. با طبیعت هیچ رابطه‌ای نداشته باشد ولی کاملاً آن را بشناسد، سعادت او مربوط به ما نباشد و حاضر باشد به سعادت ما کمک کند. (Rousseau, 1762: 28)

تلقی روسو از عقل به قرآن و روایات اسلامی بسیار نزدیک است؛ زیرا در قرآن و روایات عقل را وسیله‌ای دانسته‌اند تا از طریق آن انسان بتواند راه صواب و ناصواب را از هم بازشناسد. پس اگر وجدان و عقل آدمی با الهام الهی می‌تواند راه درست را از نادرست تشخیص دهد، به خوبی می‌تواند احکام شرع را بر اساس معیارهای منطقی و عقلی کشف و ادراک نماید. این گونه امور که بدیهی بودن آنها جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد، همان حقوق طبیعی است که در غرب مورد تأکید قرار گرفته است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۰)

بنابراین می‌توان گفت نظر حکما در مورد پیامبر اسلام که او را به عقل کل تعبیر کرده‌اند با این قاعده کلی که روسو بیان می‌کند، سازگاری دارد. در این صورت است که باید گفت عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تا جایی که آن را محور همه چیز و جان حقوق دانسته‌اند و حقوق را قبل از هر چیز عقل پنداشته‌اند. (داوید، ۱۳۶۴: ۳۸۱-۳۸۷) اهمیت این مسأله تا آنجاست که بین عقل و قانون ملازمه ایجاد کرده است؛ یعنی «اگر عقل را از قانون جدا کنیم، دیگر قانون وجود ندارد». (دل وکیو، ۱۳۸۰: ۲۵۵) این مسأله از چنان پشتوانه‌ای برخوردار است که هابز مدعی گردیده، «حقوقدانان همگی متفق‌القولند که قانون هیچ‌گاه نمی‌تواند خلاف عقل باشد». (هابز، ۱۳۸۰: ۲۵۷) بنابراین هر دو نظام ضمن تأکید بر عقل آن را یکی از منابع مهم خود تلقی کرده‌اند.

برخی معتقدند حاکمیت دولت اسلامی مطلق بوده و تنها به قانون و تعهدات اسلامی مقید است و نمی‌تواند در برابر دولت‌های دیگر و مقررات بین‌المللی تابع و نفوذپذیر باشد؛ یعنی

دولت اسلامی نمی‌تواند در ارتباط با مسائل داخلی و روابط بین‌المللی، خود را به اسناد بین‌المللی یا دولت‌های دیگر مقید یا محدود نماید (عمید زنجانی، ۱۳۶۲: ۲۷۹) اینها به آیاتی از قرآن از جمله «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) اشاره می‌کنند.

اصول متعددی از قانون اساسی، دولت ایران را ملزم می‌کند تا حقوق بنیادین مردم را تضمین نموده و با وضع قوانین لازم آن را مورد حمایت قرار دهد. اما در هیچ‌یک از این اصول واژه‌هایی مانند حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی حقوق بشری دیده نمی‌شود. این در حالی است که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها، جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام داخلی یا رابطه این دو حقوق با هم به شکلی مورد اشاره قرار گرفته است. (Vereshchetin, 1996: 7) بررسی قانون اساسی نشان می‌دهد که «این قانون متضمن هیچ مقرره‌ای صریح در این باره نبوده، حتی اصطلاح حقوق بین‌الملل نیز در آن به کار نرفته است» (البرزی ورکی، ۱۳۸۹: ۲۴) با این حال در برخی از اصول مانند اصول ۷۷ و ۷۸ به تعهدات و موافقت نامه‌های بین‌المللی و مسائل خارج از مرزهای ایران و مردم دیگر کشورها اشاره شده است. همچنین اصل ۱۱ این قانون مبنی بر اندیشه فقهی، ایده حکومت جهانی و امت واحد بشری را مطرح کرده است که البته با اصول حقوق بین‌الملل سازگاری ندارد. این ایده که، همه مسلمانان به عنوان امت واحد قلمداد شده‌اند، به استناد آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) می‌باشد که در اصل ۱۱ قانون اساسی متجلی گردیده است «در صورتی که آیه شریفه مورد استناد این اصل، در واقع ناظر به وحدت نوع انسانی و نه مسلمانان است».

«این دیدگاه در تمام کره زمین از مرحله نظریه به کمال مطلوب تجاوز نکرده است» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۵۳) و طرح چنین ایده‌های انقلابی را باید به عنوان یک واقعیت و «ضرورت گذرا» توصیف کرد. (خلیلیان، ۱۳۶۶: ۱۱۱) با این وصف «درست است که قانون اساسی در مقدمه خود بر تشکیل امت واحد جهانی تأکید نموده ولی در عمل از این ایده فاصله گرفته است. مثلاً شناسایی مرزهای جغرافیایی، ممنوع سازی هر گونه تغییر در خطوط مرزی و تأکید بر حفظ تمامیت ارضی موضوع اصل ۳ بند ۱۱، و اصول ۹ و ۷۸ و ۱۷۶ قانون اساسی و پیوستن به معاهدات بین‌المللی، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و توسل به سازوکارهای بین‌المللی موجود جهت حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی به عنوان الزامات زندگی در دنیای کنونی مورد توجه جدی این قانون اساسی قرار گرفته است». (البرزی ورکی، ۱۳۸۹: ۲۵)

برنامه‌های پیشین حوزه‌ی غذا و تغذیه و نظرات خبرگان و ذی‌نفعان میان‌بخشی انجام شد

تا با به‌کارگیری آن، زبان مشترک و تعهد جمعی ذی‌نفعان (درون و برون‌بخشی) در زمینه‌ی اهداف و راهبردهای ارتقای تغذیه و امنیت غذایی به‌وجود آید و بستری مناسب برای عملیاتی سازی اسناد بالادستی فراهم گردد. در نهایت، انتظار می‌رود با استقرار مداخلات پیش‌نهادی این سند، شاخص‌های مهم تغذیه و امنیت غذایی به‌تدریج بهبود یابند؛ ازجمله اینکه کلیه‌ی استان‌های کشور از نظر امنیت غذایی در طیف امن تا خیلی امن قرار گیرند.

یکی از اقدامات مهم صورت‌گرفته در راستای عملیاتی‌کردن اهداف سند، فعال‌سازی کار-گروه میان‌بخشی تغذیه و امنیت غذایی (شامل بخش‌های کشاورزی، تغذیه، صنایع غذایی، بهداشت، پژوهش، آموزش، رفاهی و حمایتی، بازرگانی، استاندارد، دامپزشکی، برنامه و بودجه، رسانه و ...)، به‌عنوان یکی از کارگروه‌های تخصصی تصمیم‌ساز ذیل شورای عالی سلامت و امنیت غذایی در سال ۱۳۹۲ بود. اهداف راهبردی سند ملی تغذیه و امنیت غذایی در دو بخش اهداف راهبردی در سال ۱۳۹۴ (۱۷ هدف با تأکید بر بهبود نشانگرهای محیطی، اجتماعی و رفتاری) و نیز اهداف راهبردی در سال ۱۳۹۹ (۸ هدف با تأکید بر نشانگرهای سطح اثر، به‌ویژه بیماری‌ها) تنظیم گردید.

امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی

کار تدوین حقوق بین‌الملل حدوداً از اواسط قرن نوزدهم آغاز شد. این کار توسط نهادهای مختلف و کنفرانس‌های متعدد پیگیری شد و روز به روز روند تدوین و تثبیت قواعد حقوقی تصریح و متحول شد که معروف‌ترین آنها از زمان اولین کنفرانس صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ شروع می‌شود. بعد از جامعه ملل که موضوعاتی را برای تدوین انتخاب کرده بود و توفیق چندانی هم در کار خود حاصل نکرد. در همین رابطه تاسیس سازمان ملل متحد و سپس تشکیل کمیسیون حقوق بین‌الملل نقطه عطفی به حساب می‌آید زیرا مقدمه ورود به عصر جدیدی در تدوین و توسعه کمیسیون حقوق بین‌الملل بوده‌اند، اهمیت و ضرورت تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل در جریان نشست دولت‌ها در سانفرانسیسکو ۱۹۴۵ مورد تأکید قرار گرفت و همچنین در منشور ملل متحد (برخلاف میثاق جامعه ملل) مقررات صریحی در مورد تدوین و توسعه حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل وجود دارد که در ماده ۱۳ منشور منعکس است. این ماده اشاره می‌دارد که مجمع عمومی به منظور توسعه همکاری‌های بین-الملل از لحاظ سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌های را فراهم می‌آورد. در نتیجه مجمع عمومی با استناد به همین ماده در نخستین اجلاس خود به موجب قطعنامه شماره ۹۴/۱ مورخ ژانویه کمیته‌ای که از آن

به نام (کمیته ۱۷) یاد شده است، برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن تاسیس کرد. این کمیته مأموریت داشت تا با مطالعاتی دقیق، روش کار مجمع عمومی را در این چارچوب مشخص سازد کمیته از ۱۲ می تا ۷ ژوئن ۱۹۴۷ پیش از ۳۰ جلسه تشکیل داد و سرانجام در گزارش نهایی خود به مجمع عمومی توصیه کرد که کمیسیونی به نام کمیسیون حقوق بین‌الملل با توجه به طرحی که برای اساس نامه‌اش پیش بینی کرده بود به وجود آید و سرانجام مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۱۷۴ خود تاسیس کمیسیون را پذیرفت و اساسنامه آن را تصویب نمود. اولین انتخابات کمیسیون در ۳ نوامبر ۱۹۴۸ انجام یافت و اولین اجلاس سالانه آن در ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ در نیویورک برگزار گردید. کمیسیون حقوق بین‌الملل برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن پا به عرصه وجود گذاشت تا تداوم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌الملل را نوید دهد. اساسنامه کمیسیون به منظور جامه عمل پوشاندن به بند اول ماده ۱۳ منشور ملل متحد وظایف خاصی را برای کمیسیون مقرر کرده است. به همین دلیل هدف کمیسیون مطابق با ماده اول اساسنامه کمیسیون تشویق جریان توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل است. در اساسنامه کمیسیون آمده است که منظور از توسعه تدریجی تکوین متونی در زمینه‌هایی است که حقوق بی‌الملل به آنها نپرداخته یا عملکرد دولت‌ها در آنها هنوز در حد مطلوبی توسعه نیافته است. برعکس از مواردی که عملکرد دولت‌ها کاملاً روشن و جا افتاده است همچنین تصمیمات قضایی متعددی یافت می‌شود و علمای برجسته حقوق بین‌الملل به کرات نظرات خود را عرضه داشته‌اند. اقدام در جهت ارائه دقیق‌تر قواعد به صورت مکتوب تدوین حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود.

حقوق بین‌الملل که در آغاز ناظر بر روابط میان کشورها بود امروزه ابعاد گسترده‌ای از زیست افراد انسانی را مورد توجه قرار داده است. از جمله این موضوعات می‌توان به موضوعات حقوق محیط زیست اشاره کرد. از همین رو در سالهای اخیر این شاخه از حقوق بین‌الملل به عنوان بخشی از نظم عمومی اجتماع بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است و با طرح دسترسی به محیط زیست سالم به یک حق بشری این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار شده است. همچنین موضوعات مرتبط با آلودگی محیط زیست، تعهدات و مسئولیت کشورها، تلقی محیط زیست به عنوان میراث مشترک و مسائلی از این قبیل باعث شد تا کشورها به عنوان واضعان اصلی قواعد حقوق بین‌الملل گام‌های موثری را در خصوص قاعده‌مند ساختن رفتار کشورها و دیگر بازیگران بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست بردارند و به همین رو از دل حقوق بین‌الملل گرایشی با عنوان حقوق بین‌الملل محیط زیست پدید آمد. از طرفی باید پذیرفت که تکامل فکری بشر

در مورد حقوق بین‌الملل محیط زیست رشد کرده است و صرفاً مسئله آلودگی را مد نظر قرار نمی‌دهد. اگرچه تا زمانی حقوق بین‌الملل به حوزه‌ی قراردادی یا غیر قراردادی بین خود طرف‌ها محدود می‌شد اما امروزه بیشتر مسئله محیط زیست از دیدگاه نظم عمومی اجتماع عمومی بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین امروزه حفاظت از محیط زیست منصرف از اینکه چه بخشی از سیاره زمین ممکن است در خطر باشد دارای بعدی عمومی و بین‌المللی است که به عنوان میراث مشترک بشریت باید حمایت شود و ارتقا یابد و با مدیریت وصیانت از آن در چارچوب رویکرد نوین با توسعه و تدوین جامع‌تری تضمین شود. از طرفی بررسی رویه کمیسیون حقوق بین‌الملل حاکی از آن است که نقشی که کمیسیون در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست ایفا کرده و می‌تواند ایفا کند مشخصاً در سالهای اخیر رشد یافته است. در این میان تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل که یکی از مهمترین ماموریت‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد اهمیت بسزایی در تحکیم و پایداری صلح و استقرار حکومت قانون در جامعه بین‌المللی دارد. براساس ماده ۱۳ منشور سازمان ملل متحد، مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند: الف) ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی، ب) ایجاد زمینه‌های مناسب برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن.

بر این اساس مجمع عمومی بدون اینکه به قانونگذاری بین‌المللی مبدل شود با مطالعات پیگیر و کارشناسی دقیق متن قطعنامه‌ها و یا پیش‌نویس معاهدات بین‌المللی را تهیه نموده و برای تصویب در اختیار دولتها قرار می‌دهد. در طول شصت و پنج سالی که از حیات ملل متحد می‌گذرد مجمع عمومی با اتکا به ارگان‌های فرعی خویش که در راس آن کمیسیون حقوق بین‌الملل است موفق شده است بخش‌های مختلف حقوق بین‌الملل را از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست را مدون سازد و در توسعه آن گام بردارد. در همین راستا در جلسه شصت و پنجم کمیسیون حقوق بین‌الملل که در سال جاری میلادی (۲۰۱۴) در ژنو، مقر ملل متحد برگزار شد در کنار موضوعات هشتگانه دیگری چون اخراج بیگانگان، اجرای موقت معاهدات و... موضوع حمایت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه و حفاظت از اتمسفر در دستور کار مطالعه مقدماتی کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داده شده است، به امید اینکه اقدامات مثمر ثمری و لازم الاجرائی در جهت تدوین و توسعه قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست صورت گیرد. (انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

هر انسانی از این حق برخوردار است که به منابع غذایی ایمن و مغذی دسترسی داشته باشد. حق بر امنیت غذایی به عنوان یک مفهوم اساسی در حقوق بین‌الملل بشری، مورد موافقت قرار گرفته است. این حق در مواد بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد توجه است: از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و تعداد دیگری از اسناد حقوق بین‌المللی. در دسترس بودن مواد غذایی باید به شیوه‌ای پایدار بوده و در تقابل با تحقق سایر اصول بنیادین بشری نباشد. چرا که قواعد حقوق بشر به یکدیگر مرتبط بوده و از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. این تعهد در ماده ۱۱ میثاق به صراحت مطرح شده است و دولت‌ها در خصوص عرضه و ارائه محصولات غذایی تراریخته نیز باید به آنها توجه لازم را مبذول دارند. دولت‌ها در راستای اجرای تعهدات مطرح شده در میثاق، راهکارهای گوناگونی پیش روی خود دارند. از جمله قانونگذاری، هر قانونی که با حق بر امنیت غذایی در تعارض است، باید اصلاح شود و به طور کلی، قانونگذار باید یک چارچوب حقوقی فراهم کند که در آن امنیت غذایی، آن هم غذای سالم و ایمن محترم شمرده، محافظت و برآورده گردد. همچنین دولت‌ها ملزم هستند تا نظارت‌های لازم را بر فعالیتهای تجاری و اقتصادی داشته باشند تا همواره امنیت غذایی حفظ گردد. همچنین باید توجه داشت که بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در مقابل امنیت غذایی مردم دیگر کشورها نیز متعهد هستند و باید در اتخاذ سیاست‌های اجرایی‌شان به گونه‌ای عمل کنند که نه تنها موجب نقض حق مردمان سرزمین‌های دیگر نشوند، بلکه تا جایی که ممکن است به تحقق و اجرای کامل این حق آنها یاری رساند، به ویژه با توجه به مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد و تفسیر ماده ۱۱ میثاق، دولت‌ها باید نقش اساسی و بارز مشارکت بین‌المللی را به رسمیت بشناسند و تعهداتشان را در قبال مشارکت در اقدامات و فعالیتهای بین‌المللی که به تحقق حق بر امنیت غذایی می‌انجامد، بپذیرند. همچنین یک سیستم ملی کارا برای کنترل ایمنی مواد غذایی علاوه بر کمک به ارتقاء وضع تغذیه و سلامت جامعه به بهبود صنایع غذایی، منجر به افزایش تولید و افزایش سطح درآمدها می‌انجامد؛ بنابراین بهبود ساختار زیربنایی و قوانین موجود، برای داشتن یک سیستم کنترل مواد غذایی کارا در سطح ملی حائز اهمیت است. اما از آنجاییکه یکی از عوامل اصلی در نامناسب بودن سبد غذایی هر خانوار، توزیع نامناسب آن بین اعضاء خانوار، عدم شناخت گروه‌های غذایی و نیاز بدن به هر کدام از گروه‌ها و در اولویت قرار دادن بعضی از آنها است، بنابراین نقش آموزش در ارتقاء فرهنگ و سواد تغذیه‌ای جامعه بسیار ارزشمند خواهد بود. بدیهی

است تحقیقات به‌عنوان ابزار تعیین وضعیت موجود، شناخت مشکل و تعیین اولویت‌ها، ارزشیابی حین و در خاتمه برنامه جایگاه ویژه‌ای دارد، لذا بایستی با طراحی یک سیستم هدفمند ساختار آن تعیین و طراحی شود که برای یک برنامه هدفمند میان برنامه‌ای و نهایی، داشتن سیستم نظارت و ارزشیابی توسط تمام بخش‌های درگیر اجرای برنامه و نیز داشتن ابزار لازم برای این منظور، کاملاً ضروری و مهم است. توان مدیریت در سطح استان عامل تضمین‌کننده در اجرای موفق سیاست‌های ملی است و از آنجا که مسئله تأمین غذا از مقوله‌های فرابخشی بوده اغلب ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها به‌نوعی با آن یا معلول‌های پس از آن سروکار دارند، لذا بدون ایجاد هماهنگی و همگرایی در سیاست‌ها اجرای برنامه‌های مرتبط با امنیت غذا میسر نخواهد بود. بدیهی است در هر برنامه‌ریزی دولتی یک سمت آن به‌طرف مردم و حفظ منافع آنها خواهد بود و الزاماً برنامه‌هایی موفق‌تر هستند که نقش مردم را در تمام سیکل برنامه‌ریزی تا اجرا منظور نموده باشند خصوصاً اگر اجرا برنامه مترادف با تغییر رفتار جامعه باشد. از طرفی همکاری وسیع مشترک بین سازمان بهداشت جهانی با دیگر سازمان‌ها و تدوین و تهیه قوانین مدون سیاست‌های مربوط به ایمنی غذایی باعث تسریع و تسهیل مضاعف در امر ایمنی مواد غذایی شده و در آینده زنجیره کامل غذایی را از مرحله تولید تا مرحله مصرف غذا پوشش داده و منجر به استفاده از انواع مختلف مهارت‌ها و تجربیات خواهد شد. همچنین بسط و ترویج عملیات تولید بهینه و نیز آموزش دست‌فروشان، خرده‌فروشان و مصرف‌کنندگان در ارتباط با استعمال مناسب مواد غذایی در این امر بدون تاثیر نخواهد بود. آموزش مصرف‌کنندگان و آن‌هایی که با مواد غذایی سروکار دارند در استعمال ایمن و صحیح از مواد غذایی یکی از کلیدی‌ترین تدابیری است که در جلوگیری از بیماری‌های ناشی از غذا می‌تواند اتخاذ گردد. همچنین می‌توان سیستم‌های آزمایشگاهی را برای نظارت در امور آن دسته از بیماری‌های ناشی از غذای انسان و حیوان که در اولویت بوده، تجهیز نمود که نیازمند ارتقای دانش و آگاهی در سطح جامعه هستیم که الزام به تولید محصولات ایمن و رعایت بهداشت و استانداردهای مواد غذایی در جهت حفظ ارزش تغذیه‌ای و سلامت جامعه امری ضروری است. این روش‌های تشخیصی باید مزایای سلامتی و نیز احتمال بروز آثار سوء را در سلامتی مورد توجه قرار دهند. محصولات کشاورزی مقاوم به آفات، مواد غذایی که مواد آلرژی‌زا در آنها حذف شده‌اند یا مواد غذایی غنی‌شده با ریزمغذی‌های اساسی افزایش یافته مثال‌هایی از این دست هستند. امروزه علی‌رغم گذشته، در ارزیابی مواد غذایی تولیدی به روش بیوتکنولوژی، سنجش خطرات و ارزیابی مزایای بالقوه آنها بسیار مورد توجه قرار گرفته است. گرچه هنوز اطلاع‌رسانی صحیحی در این رابطه برای ارزیابی ایمنی

در سطوح ملی و بین‌المللی وجود ندارد.

در نتیجه امنیت غذایی به دنبال استیفای حقی برای بشر است که در اسناد متعدد حقوق بشری با عنوان حق بر غذا مورد شناسایی قرار گرفته است. حق بر غذا به‌عنوان حقی بنیادین برای هر شخص، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذای کافی (از لحاظ کمی و کیفی) است که پاسخگوی نیازهای غذایی یک انسان باشد. بر این اساس امنیت غذایی که حق دسترسی به غذا و رهایی از گرسنگی را مجسم می‌سازد، جز حقوق بنیادین بشری است و در هیچ شرایطی حتی در مخاصمات نیز قابل تعلیق نیست. وجه تمایز این دو رویکرد آن است که امنیت غذایی تعهدات حقوقی الزام‌آور برای دولت‌ها جهت تأمین غذا ایجاد نمی‌نماید و بیشتر یک رویکرد در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی غذایی جهت تحقق تدریجی حق بر غذا است، در حالی که رویکرد حق بر غذا دارای بار حق حقوقی و تعهدات الزام‌آور برای کشورها است و اجرای آن در معاهدات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی به‌خوبی شناسایی شده است.



منابع فارسی

کتاب

- برژنيسكى، زيگنيو (۱۳۶۹)، در جستجوی امنیت ملی، ترجمه ابراهيم خليلی، تهران، نشر سفیر
- حسين‌پور، داور (۱۳۹۵)، بررسی ابعاد امنیت سلامت، غذا و دارو با تأکید بر اهمیت سلامت و تغذیه در کشورهای اسلامی، انتشارات مرکز دیدار
- خليلیان، سيد خليل (۱۳۶۶)، حقوق بين‌الملل اسلامی، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- داوید، رنه (۱۳۶۴)، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه سيد حسين صفایی، محمد آشوری و عزت الله عراقی، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی
- دل وکیو، ژرژ (۱۳۸۰)، تاریخ فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، تهران، انتشارات میزان
- رزمخواه، نجمه (۱۳۹۵)، حقوق بشر و زیست فناوری تراریخت، چاپ اول، انتشارات مجد
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم
- هابز، توماس (۱۳۸۰)، لویاتان، ترجمه حسين بشیریه، تهران، انتشارات نشر نی

مقالات

- البرزی ورکی، مسعود (۱۳۸۹)، حقوق بشر دوستانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۴۰، شماره ۱
- ابراهيم‌گل، علیرضا (۱۳۸۷)، حق غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۹
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، بحثی در امنیت ملی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲
- چنگیز اسفندیاری، سیدباقر میرعباسی (۱۳۹۴)، بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۳۵
- فرهاد رهبر، علی مبینی دهکردی (۱۳۸۳)، رویکردی نو به راهبرد امنیت غذایی از نظر عرضه با ثبات مواد غذایی، نشریه پژوهش‌های سیاسی، شماره ۱۴

English Resources

Book

- Food and Agriculture Organization (FAO), (2011), **The state of food insecurity in the world: How does international price volatility affect domestic econo-**

mies and food security?, FAO Publications, Rome, Italy

- Rousseau, Jean Jacques (1762), **Social contract or principles of political right**, Constitution Society

- Smith, K. (2013), **Beyond evidence based policy in public health**: Palgrave MacMillan UK.

- United Nations (1975), **Reports of the World Food Conference**, Rom 5-16 November 1974, New York

-Vereshchetin, V. (1996), **New constitutions and the old problem of the Relational law**, vol.7.

-World Bank, (1986), **Poverty and Hunger: issues and options for food security in developing countries**, Washington DC

Article

- Leandro, L. F., Mendes, C. A., Casemiro, L. A., Vinholis, A. H. C., Cunha, W. R., Almeida, R., Martins, H. G. (2015), **Antimicrobial activity of apitoxin, melittin and phospholipase A2 of honey bee (*Apis mellifera*) venom against oral pathogens**, Anais da Academia Brasileira de Ciências, 87(1)

- Prescott, M. P., Grove, A., Bunning, M., & Cunningham-Sabo, L. (2020), **Characterizing and Assessing the Quality of State K-12 Share Table Policies as a Potential Mechanism to Reduce Food Waste and Promote Food Security**. Journal of Nutrition Education and Behavior, 52(1)

